

تحلیل روایات عروه بن زبیر از آغاز وحی بر اساس آراء گورکه و شولر

شهابالدین حاجی علی*

چکیده

این پژوهش به بررسی روایات عروه بن زبیر درباره آغاز وحی می‌پردازد که به‌عنوان یکی از کهن‌ترین گزارش‌ها در تاریخ اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما وجود نسخه‌های متعدد و گاه متعارض، واکاوی اصالت و محتوای اصلی آن را به چالشی پژوهشی تبدیل کرده است. در این رابطه با هدف تحلیل و بازسازی روایت اصلی عروه بن زبیر درباره آغاز وحی و تعیین عناصر سازنده آن، با اتکا به روش اندریاس گورکه و گرگور شولر از طریق تحلیل مقایسه‌ای نسخه‌های مختلف، به‌ویژه روایت زهری و روایت مستقل هشام بن عروه، به این امر پرداختیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های سندی و متنی، عناصر کلیدی مشترکی را می‌توان به‌عنوان بخشی از گزارش اصیل عروه شناسایی کرد. این عناصر شامل رؤیاهای صادقانه، اضطراب پیامبر، تسلی و مدح خدیجه علیها السلام با عباراتی ثابت، ملاقات با ورقه بن نوفل و نهایتاً شناسایی فرشته به‌عنوان «ناموس» است. بر اساس این عناصر می‌توان گفت اگرچه روایت زهری مشهورترین و کامل‌ترین شکل را ارائه داده، اما هسته اصلی داستان به عروه بازمی‌گردد.

واژگان کلیدی: عروه بن زبیر، آغاز وحی، زهری، هشام بن عروه، اندریاس گورکه، گرگور شولر.

*. دانش پژوه سطح ۳ تاریخ اسلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام.

مقدمه

روایات کهن درباره زندگی پیامبر اسلام ﷺ، به‌ویژه گزارش‌های مربوط به آغاز وحی، از بنیادی‌ترین منابع برای درک تاریخ صدر اسلام به‌شمار می‌روند. در این میان، روایات عروه بن زبیر (م. ۹۴ق) به‌عنوان یکی از نخستین و اثرگذارترین تلاش‌ها برای تدوین سیره، جایگاهی محوری دارد. با این حال، مسأله اصلی اینجاست که این روایات نه به شکل یک اثر مکتوب مستقل، بلکه پراکنده و عمدتاً از طریق روایان بعدی، به‌ویژه زهری (م. ۱۲۴ق) و پسر عروه، هشام (م. ۱۴۶ق)، به دست ما رسیده‌اند. این امر منجر به پیدایش نسخه‌های مختلف، گاه متعارض و ابهام در تشخیص سند و محتوای اصیل منسوب به عروه شده است. با توجه به این مطلب ضرورت و اهمیت این پژوهش، که لزوم تبیین و بازسازی یکی از کهن‌ترین لایه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی و واکاوی تحولات روایی در گذر زمان است، روشن می‌گردد. تأکید بر این نکته لازم است که در این پژوهش هدف ما بازیابی و کشف روایت عروه و عناصر آن است نه صحت سنجی آن، یعنی بدانیم عروه چه گفته است، نه اینکه آنچه گفته چقدر صحیح است. برای این منظور، با به کارگیری چارچوب نظری و روش‌شناختی اندریاس گورکه و گرگور شولر^۱، با تمرکز بر تحلیل سندی - متنی و مقایسه نسخه‌ها، به جداسازی روایت اصلی عروه درباره آغاز وحی و نخستین تجربه پیامبر ﷺ از لایه‌های افزوده شده توسط روایان بعدی خواهیم پرداخت و تصویری اجمالی از روایت بازسازی شده عروه ارائه خواهیم داد.

نظر کلی بر انتقال روایت^۲

نسخه‌های مختلفی از روایت عروه درباره آغاز وحی و اولین تجربه وحی وجود دارد. مهم‌ترین، شناخته شده‌ترین، مفصل‌ترین و بهترین و غنی‌ترین نقل‌ها از زهری منشأ می‌گیرند. این نسخه نیز به نوبه خود در نسخه‌های مختلفی به ما رسیده است (معمر، اللیث > عقیل، النعمان بن

۱. بگریید به مقدمه بحث در 1-16. Görke and Schoeler, The Earliest Writings on the Life of Muhammad.

2. Görke and Schoeler, The Earliest Writings on the Life of Muhammad, 17.



راشد، ابن اسحاق و غیره). یک نسخه طولانی، یعنی نسخه النعمان بن راشد، به طور خاص با همه نسخه‌های طولانی دیگر متفاوت است. چشمگیرترین ویژگی آن این است که در نسخه النعمان بن راشد، پیامبر ﷺ به فرشته می‌گوید: ما اقرأ (چه باید بخوانم؟) یا «من نمی‌خوانم» و نه، همان‌طور که در نسخه‌های دیگر آمده است، ما أنا بقارئ (من نمی‌خوانم/ نمی‌توانم بخوانم). بدون استثنا، تمام نسخه‌های روایت زهری با این ترکیب آغاز می‌شود: أول ما بدئ به رسول الله من الوحي الرؤيا الصادقة، فكان ما يرى رؤيا إلا جاءت مثل فلق الصبح، «وحی با پیامبر خدا با رؤیاهای واقعی آغاز شد و هرگاه او رؤیا می‌دید، آن‌ها را مانند روشنایی سپیده دم می‌دید» (البته اختلافات جزئی در آن وجود دارد)؛ این جمله بدین ترتیب ویژگی خاص روایت زهری است. ماهیت روایت بعدی درباره اولین تجربه وحی پیامبر ﷺ به طور کامل توسط ادراک عجیب در غار تعیین می‌شود.

علاوه بر روایت زهری، نقل‌های دیگری درباره تجربه وحی وجود دارد که به عروه نسبت داده شده‌اند. نقل «بر اساس هشام بن عروه از پدرش» بسیار کمتر شایع و مستند است؛ این نقل فقط در دو (یا سه) روایت - احتمالاً تگه‌هایی از یک روایت طولانی‌تر - وجود دارد که از نظر محتوا با روایت زهری همخوانی دارند. نقل سوم، با اسناد ابن لهيعة > ابوالأسود تیمم عروه > عروه که از نظر محتوا به طور قابل توجهی با دو مورد اول متفاوت است (ملاقات محرمانه فرشته با پیامبر به جای دیدار عجیب در غار) و فقط با روایت موسی بن عقبه در هم آمیخته به ما رسیده است. نقل چهارم، بر اساس یزید بن رومان > عروه، فقط توسط یک روایت مستند است که مجموعه‌ای از چندین روایت است؛ به این معنا که در این روایت نه تنها تجربه وحی روایت شده است، بلکه داستان‌های دیگری که دارای ارتباط اندکی با آن تجربه هستند نیز وجود دارند.

علاوه بر روایت‌های وابسته به عروه، یک روایت از ابن اسحاق درباره اولین تجربه وحی^۱ وجود دارد که به عروه بازمی‌گردد. اما روایت مربوط به ابن اسحاق به یکی از موالی خاندان زبیر، وهب بن کیسان (> قاص عمید بن عمیر) اشاره می‌کند، به گزارش‌های مربوط به عروه

1. Ibn Hišām, al-Sīra I, 235-38; al-Ṭabarī, Taḥī I, 1149; al-Uṭarīdī, al-Siyar 121f.



(به‌ویژه نسخه النعمان بن راشد) بسیار نزدیک است، به‌طوری که باید از همان منبع منشأ گرفته باشد.^۱

روایت زهری

نسخه‌های روایت زهری به نسخه‌های طولانی (کامل) و کوتاه (مختصر) تقسیم می‌شوند. به‌عنوان مثالی از دومی، فقط نسخه ابن اسحاق^۲ را ذکر می‌کنیم (نباید با روایت خود ابن اسحاق اشتباه گرفته شود). او - و همچنین همه ناقلان وابسته به او: ابن هشام، العطاردی، الترمذی^۳ - فقط حدود چهار جمله اول روایت را می‌آوردند (که با مورد ۱ در فهرست محتوای ما مطابقت دارد و در ادامه بیان می‌شود). پس از این، ابن اسحاق روایت خود را می‌آورد.

در ادامه، به بررسی نسخه‌های طولانی خواهیم پرداخت.^۴ اینها مجموعه‌هایی هستند که هر یک از چندین روایت (روایت تحنّث، روایت اقرأ و غیره) تشکیل شده‌اند. یکی از نسخه‌های طولانی به معمر بن راشد باز می‌گردد؛ نسخه عبدالرزاق - به‌طور قابل توجهی پرشمارترین میان نسخه‌های معمر - در کنار سایرین به آن وابسته است. ابتدا خلاصه محتوای^۵ این نسخه را مرور می‌کنیم (اسناد: عبدالرزاق > معمر > زهری > عروه > عایشه):^۶

۱) وحی برای پیامبر ﷺ با رؤیاهای صادقه آغاز شد. سپس او در تنهایی بر کوه حرا اعمال مذهبی (تحنّث)^۱ انجام می‌داد (روایت تحنّث).^۲

۱. ر.ک: Schoeler, Charakter und Authentie, 75f, 98-99 (=id., The Biography, 48, 66f).

۲. ر.ک: ibid., 65-66 (=id., The Biography, 42).

۳. Ibn Hišām, al-Sīra 1, 234; al-Uṭairī, al-Siyar, 120; al-Tirmidī, Sunan 5, 257.

۴. برای مشاهده نسخه‌های کوتاه ر.ک: Schoeler, Charakter und Authentie, 65-69 (=id., The Biography, 42-44).

۵. این خلاصه پیشاپیش ویژگی‌ها و تفاوت‌های میان این نسخه (نسخه بلند ۱) و نسخه به‌طور قابل توجهی متفاوت بر اساس نقل نعمان بن راشد (نسخه بلند ۲)، که توسط طبری روایت شده، را مشخص می‌کند. علامت * به این معناست که بخش مورد نظر (داخل کروشه) تنها در نسخه بلند ۲ وجود دارد؛ علامت ** نشان می‌دهد که بخش مورد نظر فقط در نسخه بلند ۱ یافت می‌شود.

۶. Abd al-Razzāq, al-Muṣannaf 5, 320-33.

تحلیل روایات عروه بن زبیر از آغاز وحی براساس آراء گورکه و شولر

۲) به‌طور غیرمنتظره، «فرشته» در غاری از کوه حرا نزد پیامبر ﷺ می‌آید. (او را «پیامبر خدا» می‌نامد*)

۳) پیامبر ﷺ گزارش می‌دهد: فرشته از او خواست که بخواند (اقراً)، اما او امتناع کرد: «نمی‌توانم بخوانم» (ما انا بقارئ). فرشته پیامبر ﷺ را فشار می‌دهد. این صحنه دو بار تکرار می‌شود. پس از فشار سوم، سوره ۹۶:۱۵ (روایت اقرأ) نازل می‌شود.

۴) پیامبر ﷺ ترسیده و نزد همسرش خدیجه علیها السلام بازمی‌گردد. او فریاد می‌زند: «مرا بیچید!» (زملونی) (ر.ک. سوره ۱:۷۳). ترس او فروکش می‌کند (روایت خدیجه علیها السلام ۱).

۵) پیامبر ﷺ با خدیجه علیها السلام درباره تجربه‌اش صحبت می‌کند («من بر جان خودم می‌ترسم»). خدیجه علیها السلام او را تسلی می‌دهد و به او انگیزه می‌دهد. او پیامبر ﷺ را تحسین می‌کند (در سخنی با عبارات موازی)^۳ (روایت خدیجه علیها السلام ۲).

۶) زن و شوهر به ورقه بن نوفل مراجعه می‌کنند. (اطلاعاتی درباره ورقه به دنبال آن می‌آید**).

۷) آن‌ها با ورقه صحبت می‌کنند. او موجود ظاهر شده را به‌عنوان ناموس^۴ شناسایی می‌کند و پیشگویی می‌کند: پیامبر ﷺ اخراج خواهد شد؛ اما در نهایت پیروزی با اوست. (الف. وحی‌هایی که پس از سوره ۹۶ نازل شده‌اند، فهرست می‌شوند: سوره ۶۸، سپس ۷۴، سپس ۹۳**).

۸) گزارش شده است که ورقه به زودی پس از آن درگذشت (روایت ورقه).

۹) وحی موقتاً متوقف می‌شود (روایت فتره).

۱. در مورد معنای تحنث ر.ک. "Al-Fahannuth". Kister.

۲. در مورد اصطلاحات روایت تحنث، روایت اقرأ، روایت افق و غیره، که از Th. Lohmann و T. Andrae منشأ گرفته‌اند، بنگرید به: Schoeler, Charakter und Authentie, 64f. (= id., The Biography, 40).

۳. ر.ک. "God will never". Kister.

۴. در مورد این نام بنگرید به: Motzki, "Nāmūs", in Encyclopaedia of the Qur'ān 3, 515ff.



۱۰) (فرشته دوباره ظاهر می‌شود.)* پیامبر ﷺ قصد خودکشی دارد. وقتی سعی می‌کند خود را از کوه پایین اندازد، جبرئیل ظاهر می‌شود (در افق)*، و پیامبر ﷺ را به‌عنوان «پیامبر خدا» خطاب می‌کند (روایت افق).

۱۱) به دلیل ظهور فرشته، پیامبر ﷺ آرام می‌شود؛ او از نیت خودکشی دست می‌کشد.^۱ نسخه‌های طولانی این داستان نه تنها از معمر بلکه از شاگردان دیگر زهری نیز در دسترس است. نسخه‌های عقیل بن خالد^۲ (م. ۱۴۱ ۷۵۷-۹ یا کمی بعدتر) و یونس بن یزید الایلی^۳ (م. ۱۵۹ ۷۷۵/۶) نیز باید ذکر شود. با این حال، نقل‌های نسخه یونس توسط مسلم بن حجاج و بیهقی^۴ حاوی قطعه‌ای متناظر با نکات ۸-۱۱ نیستند، و نقل بخاری از نسخه عقیل^۵ نیز حاوی قطعه‌ای متناظر با نکات ۱۰-۱۱ فهرست مطالب فوق نیست. در هر دو مورد، قطعه آخر که به نیت خودکشی پیامبر ﷺ در دوره فتره و ظهور فرشته‌ای که او را از عمل بر این نیت باز می‌دارد، مربوط می‌شود، حذف شده است (افزودنی فتره). در حالیکه نسخه عقیل به نظر می‌رسد هرگز این قطعه را نداشته باشد، یک نسخه کامل از یونس (با افزودنی فتره) در مسند ابوعوانه موجود است.^۶

بدون شک تصادفی نیست که بخاری در فصل اول اثرش، کتاب بدء الوحی، شکل مختصر روایت را آورده، یعنی همان که گزارش نیت خودکشی وجود ندارد. در این نقطه مشخص در اثرش، احتمالاً نسخه کامل روایت از دیدگاه او دارای اشکال بوده است. با این حال، او آن را به‌خوبی می‌شناسد و در فصل دیگری، یعنی در یک نسخه ترکیبی بر اساس نقل‌های معمر و عقیل، آورده است.^۷

۱. ترتیب عبارات در نسخه طبری (نسخه طولانی II) چنین است: ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- ۱۰- ۱۱- ۱۲- ۱۳- ۱۴- ۱۵- ۱۶- ۱۷- ۱۸- ۱۹- ۲۰- ۲۱- ۲۲- ۲۳- ۲۴- ۲۵- ۲۶- ۲۷- ۲۸- ۲۹- ۳۰- ۳۱- ۳۲- ۳۳- ۳۴- ۳۵- ۳۶- ۳۷- ۳۸- ۳۹- ۴۰- ۴۱- ۴۲- ۴۳- ۴۴- ۴۵- ۴۶- ۴۷- ۴۸- ۴۹- ۵۰- ۵۱- ۵۲- ۵۳- ۵۴- ۵۵- ۵۶- ۵۷- ۵۸- ۵۹- ۶۰- ۶۱- ۶۲- ۶۳- ۶۴- ۶۵- ۶۶- ۶۷- ۶۸- ۶۹- ۷۰- ۷۱- ۷۲- ۷۳- ۷۴- ۷۵- ۷۶- ۷۷- ۷۸- ۷۹- ۸۰- ۸۱- ۸۲- ۸۳- ۸۴- ۸۵- ۸۶- ۸۷- ۸۸- ۸۹- ۹۰- ۹۱- ۹۲- ۹۳- ۹۴- ۹۵- ۹۶- ۹۷- ۹۸- ۹۹- ۱۰۰- ۱۰۱- ۱۰۲- ۱۰۳- ۱۰۴- ۱۰۵- ۱۰۶- ۱۰۷- ۱۰۸- ۱۰۹- ۱۱۰- ۱۱۱- ۱۱۲- ۱۱۳- ۱۱۴- ۱۱۵- ۱۱۶- ۱۱۷- ۱۱۸- ۱۱۹- ۱۲۰- ۱۲۱- ۱۲۲- ۱۲۳- ۱۲۴- ۱۲۵- ۱۲۶- ۱۲۷- ۱۲۸- ۱۲۹- ۱۳۰- ۱۳۱- ۱۳۲- ۱۳۳- ۱۳۴- ۱۳۵- ۱۳۶- ۱۳۷- ۱۳۸- ۱۳۹- ۱۴۰- ۱۴۱- ۱۴۲- ۱۴۳- ۱۴۴- ۱۴۵- ۱۴۶- ۱۴۷- ۱۴۸- ۱۴۹- ۱۵۰- ۱۵۱- ۱۵۲- ۱۵۳- ۱۵۴- ۱۵۵- ۱۵۶- ۱۵۷- ۱۵۸- ۱۵۹- ۱۶۰- ۱۶۱- ۱۶۲- ۱۶۳- ۱۶۴- ۱۶۵- ۱۶۶- ۱۶۷- ۱۶۸- ۱۶۹- ۱۷۰- ۱۷۱- ۱۷۲- ۱۷۳- ۱۷۴- ۱۷۵- ۱۷۶- ۱۷۷- ۱۷۸- ۱۷۹- ۱۸۰- ۱۸۱- ۱۸۲- ۱۸۳- ۱۸۴- ۱۸۵- ۱۸۶- ۱۸۷- ۱۸۸- ۱۸۹- ۱۹۰- ۱۹۱- ۱۹۲- ۱۹۳- ۱۹۴- ۱۹۵- ۱۹۶- ۱۹۷- ۱۹۸- ۱۹۹- ۲۰۰- ۲۰۱- ۲۰۲- ۲۰۳- ۲۰۴- ۲۰۵- ۲۰۶- ۲۰۷- ۲۰۸- ۲۰۹- ۲۱۰- ۲۱۱- ۲۱۲- ۲۱۳- ۲۱۴- ۲۱۵- ۲۱۶- ۲۱۷- ۲۱۸- ۲۱۹- ۲۲۰- ۲۲۱- ۲۲۲- ۲۲۳- ۲۲۴- ۲۲۵- ۲۲۶- ۲۲۷- ۲۲۸- ۲۲۹- ۲۳۰- ۲۳۱- ۲۳۲- ۲۳۳- ۲۳۴- ۲۳۵- ۲۳۶- ۲۳۷- ۲۳۸- ۲۳۹- ۲۴۰- ۲۴۱- ۲۴۲- ۲۴۳- ۲۴۴- ۲۴۵- ۲۴۶- ۲۴۷- ۲۴۸- ۲۴۹- ۲۵۰- ۲۵۱- ۲۵۲- ۲۵۳- ۲۵۴- ۲۵۵- ۲۵۶- ۲۵۷- ۲۵۸- ۲۵۹- ۲۶۰- ۲۶۱- ۲۶۲- ۲۶۳- ۲۶۴- ۲۶۵- ۲۶۶- ۲۶۷- ۲۶۸- ۲۶۹- ۲۷۰- ۲۷۱- ۲۷۲- ۲۷۳- ۲۷۴- ۲۷۵- ۲۷۶- ۲۷۷- ۲۷۸- ۲۷۹- ۲۸۰- ۲۸۱- ۲۸۲- ۲۸۳- ۲۸۴- ۲۸۵- ۲۸۶- ۲۸۷- ۲۸۸- ۲۸۹- ۲۹۰- ۲۹۱- ۲۹۲- ۲۹۳- ۲۹۴- ۲۹۵- ۲۹۶- ۲۹۷- ۲۹۸- ۲۹۹- ۳۰۰- ۳۰۱- ۳۰۲- ۳۰۳- ۳۰۴- ۳۰۵- ۳۰۶- ۳۰۷- ۳۰۸- ۳۰۹- ۳۱۰- ۳۱۱- ۳۱۲- ۳۱۳- ۳۱۴- ۳۱۵- ۳۱۶- ۳۱۷- ۳۱۸- ۳۱۹- ۳۲۰- ۳۲۱- ۳۲۲- ۳۲۳- ۳۲۴- ۳۲۵- ۳۲۶- ۳۲۷- ۳۲۸- ۳۲۹- ۳۳۰- ۳۳۱- ۳۳۲- ۳۳۳- ۳۳۴- ۳۳۵- ۳۳۶- ۳۳۷- ۳۳۸- ۳۳۹- ۳۴۰- ۳۴۱- ۳۴۲- ۳۴۳- ۳۴۴- ۳۴۵- ۳۴۶- ۳۴۷- ۳۴۸- ۳۴۹- ۳۵۰- ۳۵۱- ۳۵۲- ۳۵۳- ۳۵۴- ۳۵۵- ۳۵۶- ۳۵۷- ۳۵۸- ۳۵۹- ۳۶۰- ۳۶۱- ۳۶۲- ۳۶۳- ۳۶۴- ۳۶۵- ۳۶۶- ۳۶۷- ۳۶۸- ۳۶۹- ۳۷۰- ۳۷۱- ۳۷۲- ۳۷۳- ۳۷۴- ۳۷۵- ۳۷۶- ۳۷۷- ۳۷۸- ۳۷۹- ۳۸۰- ۳۸۱- ۳۸۲- ۳۸۳- ۳۸۴- ۳۸۵- ۳۸۶- ۳۸۷- ۳۸۸- ۳۸۹- ۳۹۰- ۳۹۱- ۳۹۲- ۳۹۳- ۳۹۴- ۳۹۵- ۳۹۶- ۳۹۷- ۳۹۸- ۳۹۹- ۴۰۰- ۴۰۱- ۴۰۲- ۴۰۳- ۴۰۴- ۴۰۵- ۴۰۶- ۴۰۷- ۴۰۸- ۴۰۹- ۴۱۰- ۴۱۱- ۴۱۲- ۴۱۳- ۴۱۴- ۴۱۵- ۴۱۶- ۴۱۷- ۴۱۸- ۴۱۹- ۴۲۰- ۴۲۱- ۴۲۲- ۴۲۳- ۴۲۴- ۴۲۵- ۴۲۶- ۴۲۷- ۴۲۸- ۴۲۹- ۴۳۰- ۴۳۱- ۴۳۲- ۴۳۳- ۴۳۴- ۴۳۵- ۴۳۶- ۴۳۷- ۴۳۸- ۴۳۹- ۴۴۰- ۴۴۱- ۴۴۲- ۴۴۳- ۴۴۴- ۴۴۵- ۴۴۶- ۴۴۷- ۴۴۸- ۴۴۹- ۴۵۰- ۴۵۱- ۴۵۲- ۴۵۳- ۴۵۴- ۴۵۵- ۴۵۶- ۴۵۷- ۴۵۸- ۴۵۹- ۴۶۰- ۴۶۱- ۴۶۲- ۴۶۳- ۴۶۴- ۴۶۵- ۴۶۶- ۴۶۷- ۴۶۸- ۴۶۹- ۴۷۰- ۴۷۱- ۴۷۲- ۴۷۳- ۴۷۴- ۴۷۵- ۴۷۶- ۴۷۷- ۴۷۸- ۴۷۹- ۴۸۰- ۴۸۱- ۴۸۲- ۴۸۳- ۴۸۴- ۴۸۵- ۴۸۶- ۴۸۷- ۴۸۸- ۴۸۹- ۴۹۰- ۴۹۱- ۴۹۲- ۴۹۳- ۴۹۴- ۴۹۵- ۴۹۶- ۴۹۷- ۴۹۸- ۴۹۹- ۵۰۰- ۵۰۱- ۵۰۲- ۵۰۳- ۵۰۴- ۵۰۵- ۵۰۶- ۵۰۷- ۵۰۸- ۵۰۹- ۵۱۰- ۵۱۱- ۵۱۲- ۵۱۳- ۵۱۴- ۵۱۵- ۵۱۶- ۵۱۷- ۵۱۸- ۵۱۹- ۵۲۰- ۵۲۱- ۵۲۲- ۵۲۳- ۵۲۴- ۵۲۵- ۵۲۶- ۵۲۷- ۵۲۸- ۵۲۹- ۵۳۰- ۵۳۱- ۵۳۲- ۵۳۳- ۵۳۴- ۵۳۵- ۵۳۶- ۵۳۷- ۵۳۸- ۵۳۹- ۵۴۰- ۵۴۱- ۵۴۲- ۵۴۳- ۵۴۴- ۵۴۵- ۵۴۶- ۵۴۷- ۵۴۸- ۵۴۹- ۵۵۰- ۵۵۱- ۵۵۲- ۵۵۳- ۵۵۴- ۵۵۵- ۵۵۶- ۵۵۷- ۵۵۸- ۵۵۹- ۵۶۰- ۵۶۱- ۵۶۲- ۵۶۳- ۵۶۴- ۵۶۵- ۵۶۶- ۵۶۷- ۵۶۸- ۵۶۹- ۵۷۰- ۵۷۱- ۵۷۲- ۵۷۳- ۵۷۴- ۵۷۵- ۵۷۶- ۵۷۷- ۵۷۸- ۵۷۹- ۵۸۰- ۵۸۱- ۵۸۲- ۵۸۳- ۵۸۴- ۵۸۵- ۵۸۶- ۵۸۷- ۵۸۸- ۵۸۹- ۵۹۰- ۵۹۱- ۵۹۲- ۵۹۳- ۵۹۴- ۵۹۵- ۵۹۶- ۵۹۷- ۵۹۸- ۵۹۹- ۶۰۰- ۶۰۱- ۶۰۲- ۶۰۳- ۶۰۴- ۶۰۵- ۶۰۶- ۶۰۷- ۶۰۸- ۶۰۹- ۶۱۰- ۶۱۱- ۶۱۲- ۶۱۳- ۶۱۴- ۶۱۵- ۶۱۶- ۶۱۷- ۶۱۸- ۶۱۹- ۶۲۰- ۶۲۱- ۶۲۲- ۶۲۳- ۶۲۴- ۶۲۵- ۶۲۶- ۶۲۷- ۶۲۸- ۶۲۹- ۶۳۰- ۶۳۱- ۶۳۲- ۶۳۳- ۶۳۴- ۶۳۵- ۶۳۶- ۶۳۷- ۶۳۸- ۶۳۹- ۶۴۰- ۶۴۱- ۶۴۲- ۶۴۳- ۶۴۴- ۶۴۵- ۶۴۶- ۶۴۷- ۶۴۸- ۶۴۹- ۶۵۰- ۶۵۱- ۶۵۲- ۶۵۳- ۶۵۴- ۶۵۵- ۶۵۶- ۶۵۷- ۶۵۸- ۶۵۹- ۶۶۰- ۶۶۱- ۶۶۲- ۶۶۳- ۶۶۴- ۶۶۵- ۶۶۶- ۶۶۷- ۶۶۸- ۶۶۹- ۶۷۰- ۶۷۱- ۶۷۲- ۶۷۳- ۶۷۴- ۶۷۵- ۶۷۶- ۶۷۷- ۶۷۸- ۶۷۹- ۶۸۰- ۶۸۱- ۶۸۲- ۶۸۳- ۶۸۴- ۶۸۵- ۶۸۶- ۶۸۷- ۶۸۸- ۶۸۹- ۶۹۰- ۶۹۱- ۶۹۲- ۶۹۳- ۶۹۴- ۶۹۵- ۶۹۶- ۶۹۷- ۶۹۸- ۶۹۹- ۷۰۰- ۷۰۱- ۷۰۲- ۷۰۳- ۷۰۴- ۷۰۵- ۷۰۶- ۷۰۷- ۷۰۸- ۷۰۹- ۷۱۰- ۷۱۱- ۷۱۲- ۷۱۳- ۷۱۴- ۷۱۵- ۷۱۶- ۷۱۷- ۷۱۸- ۷۱۹- ۷۲۰- ۷۲۱- ۷۲۲- ۷۲۳- ۷۲۴- ۷۲۵- ۷۲۶- ۷۲۷- ۷۲۸- ۷۲۹- ۷۳۰- ۷۳۱- ۷۳۲- ۷۳۳- ۷۳۴- ۷۳۵- ۷۳۶- ۷۳۷- ۷۳۸- ۷۳۹- ۷۴۰- ۷۴۱- ۷۴۲- ۷۴۳- ۷۴۴- ۷۴۵- ۷۴۶- ۷۴۷- ۷۴۸- ۷۴۹- ۷۵۰- ۷۵۱- ۷۵۲- ۷۵۳- ۷۵۴- ۷۵۵- ۷۵۶- ۷۵۷- ۷۵۸- ۷۵۹- ۷۶۰- ۷۶۱- ۷۶۲- ۷۶۳- ۷۶۴- ۷۶۵- ۷۶۶- ۷۶۷- ۷۶۸- ۷۶۹- ۷۷۰- ۷۷۱- ۷۷۲- ۷۷۳- ۷۷۴- ۷۷۵- ۷۷۶- ۷۷۷- ۷۷۸- ۷۷۹- ۷۸۰- ۷۸۱- ۷۸۲- ۷۸۳- ۷۸۴- ۷۸۵- ۷۸۶- ۷۸۷- ۷۸۸- ۷۸۹- ۷۹۰- ۷۹۱- ۷۹۲- ۷۹۳- ۷۹۴- ۷۹۵- ۷۹۶- ۷۹۷- ۷۹۸- ۷۹۹- ۸۰۰- ۸۰۱- ۸۰۲- ۸۰۳- ۸۰۴- ۸۰۵- ۸۰۶- ۸۰۷- ۸۰۸- ۸۰۹- ۸۱۰- ۸۱۱- ۸۱۲- ۸۱۳- ۸۱۴- ۸۱۵- ۸۱۶- ۸۱۷- ۸۱۸- ۸۱۹- ۸۲۰- ۸۲۱- ۸۲۲- ۸۲۳- ۸۲۴- ۸۲۵- ۸۲۶- ۸۲۷- ۸۲۸- ۸۲۹- ۸۳۰- ۸۳۱- ۸۳۲- ۸۳۳- ۸۳۴- ۸۳۵- ۸۳۶- ۸۳۷- ۸۳۸- ۸۳۹- ۸۴۰- ۸۴۱- ۸۴۲- ۸۴۳- ۸۴۴- ۸۴۵- ۸۴۶- ۸۴۷- ۸۴۸- ۸۴۹- ۸۵۰- ۸۵۱- ۸۵۲- ۸۵۳- ۸۵۴- ۸۵۵- ۸۵۶- ۸۵۷- ۸۵۸- ۸۵۹- ۸۶۰- ۸۶۱- ۸۶۲- ۸۶۳- ۸۶۴- ۸۶۵- ۸۶۶- ۸۶۷- ۸۶۸- ۸۶۹- ۸۷۰- ۸۷۱- ۸۷۲- ۸۷۳- ۸۷۴- ۸۷۵- ۸۷۶- ۸۷۷- ۸۷۸- ۸۷۹- ۸۸۰- ۸۸۱- ۸۸۲- ۸۸۳- ۸۸۴- ۸۸۵- ۸۸۶- ۸۸۷- ۸۸۸- ۸۸۹- ۸۹۰- ۸۹۱- ۸۹۲- ۸۹۳- ۸۹۴- ۸۹۵- ۸۹۶- ۸۹۷- ۸۹۸- ۸۹۹- ۹۰۰- ۹۰۱- ۹۰۲- ۹۰۳- ۹۰۴- ۹۰۵- ۹۰۶- ۹۰۷- ۹۰۸- ۹۰۹- ۹۱۰- ۹۱۱- ۹۱۲- ۹۱۳- ۹۱۴- ۹۱۵- ۹۱۶- ۹۱۷- ۹۱۸- ۹۱۹- ۹۲۰- ۹۲۱- ۹۲۲- ۹۲۳- ۹۲۴- ۹۲۵- ۹۲۶- ۹۲۷- ۹۲۸- ۹۲۹- ۹۳۰- ۹۳۱- ۹۳۲- ۹۳۳- ۹۳۴- ۹۳۵- ۹۳۶- ۹۳۷- ۹۳۸- ۹۳۹- ۹۴۰- ۹۴۱- ۹۴۲- ۹۴۳- ۹۴۴- ۹۴۵- ۹۴۶- ۹۴۷- ۹۴۸- ۹۴۹- ۹۵۰- ۹۵۱- ۹۵۲- ۹۵۳- ۹۵۴- ۹۵۵- ۹۵۶- ۹۵۷- ۹۵۸- ۹۵۹- ۹۶۰- ۹۶۱- ۹۶۲- ۹۶۳- ۹۶۴- ۹۶۵- ۹۶۶- ۹۶۷- ۹۶۸- ۹۶۹- ۹۷۰- ۹۷۱- ۹۷۲- ۹۷۳- ۹۷۴- ۹۷۵- ۹۷۶- ۹۷۷- ۹۷۸- ۹۷۹- ۹۸۰- ۹۸۱- ۹۸۲- ۹۸۳- ۹۸۴- ۹۸۵- ۹۸۶- ۹۸۷- ۹۸۸- ۹۸۹- ۹۹۰- ۹۹۱- ۹۹۲- ۹۹۳- ۹۹۴- ۹۹۵- ۹۹۶- ۹۹۷- ۹۹۸- ۹۹۹- ۱۰۰۰- ۱۰۰۱- ۱۰۰۲- ۱۰۰۳- ۱۰۰۴- ۱۰۰۵- ۱۰۰۶- ۱۰۰۷- ۱۰۰۸- ۱۰۰۹- ۱۰۱۰- ۱۰۱۱- ۱۰۱۲- ۱۰۱۳- ۱۰۱۴- ۱۰۱۵- ۱۰۱۶- ۱۰۱۷- ۱۰۱۸- ۱۰۱۹- ۱۰۲۰- ۱۰۲۱- ۱۰۲۲- ۱۰۲۳- ۱۰۲۴- ۱۰۲۵- ۱۰۲۶- ۱۰۲۷- ۱۰۲۸- ۱۰۲۹- ۱۰۳۰- ۱۰۳۱- ۱۰۳۲- ۱۰۳۳- ۱۰۳۴- ۱۰۳۵- ۱۰۳۶- ۱۰۳۷- ۱۰۳۸- ۱۰۳۹- ۱۰۴۰- ۱۰۴۱- ۱۰۴۲- ۱۰۴۳- ۱۰۴۴- ۱۰۴۵- ۱۰۴۶- ۱۰۴۷- ۱۰۴۸- ۱۰۴۹- ۱۰۵۰- ۱۰۵۱- ۱۰۵۲- ۱۰۵۳- ۱۰۵۴- ۱۰۵۵- ۱۰۵۶- ۱۰۵۷- ۱۰۵۸- ۱۰۵۹- ۱۰۶۰- ۱۰۶۱- ۱۰۶۲- ۱۰۶۳- ۱۰۶۴- ۱۰۶۵- ۱۰۶۶- ۱۰۶۷- ۱۰۶۸- ۱۰۶۹- ۱۰۷۰- ۱۰۷۱- ۱۰۷۲- ۱۰۷۳- ۱۰۷۴- ۱۰۷۵- ۱۰۷۶- ۱۰۷۷- ۱۰۷۸- ۱۰۷۹- ۱۰۸۰- ۱۰۸۱- ۱۰۸۲- ۱۰۸۳- ۱۰۸۴- ۱۰۸۵- ۱۰۸۶- ۱۰۸۷- ۱۰۸۸- ۱۰۸۹- ۱۰۹۰- ۱۰۹۱- ۱۰۹۲- ۱۰۹۳- ۱۰۹۴- ۱۰۹۵- ۱۰۹۶- ۱۰۹۷- ۱۰۹۸- ۱۰۹۹- ۱۱۰۰- ۱۱۰۱- ۱۱۰۲- ۱۱۰۳- ۱۱۰۴- ۱۱۰۵- ۱۱۰۶- ۱۱۰۷- ۱۱۰۸- ۱۱۰۹- ۱۱۱۰- ۱۱۱۱- ۱۱۱۲- ۱۱۱۳- ۱۱۱۴- ۱۱۱۵- ۱۱۱۶- ۱۱۱۷- ۱۱۱۸- ۱۱۱۹- ۱۱۲۰- ۱۱۲۱- ۱۱۲۲- ۱۱۲۳- ۱۱۲۴- ۱۱۲۵- ۱۱۲۶- ۱۱۲۷- ۱۱۲۸- ۱۱۲۹- ۱۱۳۰- ۱۱۳۱- ۱۱۳۲- ۱۱۳۳- ۱۱۳۴- ۱۱۳۵- ۱۱۳۶- ۱۱۳۷- ۱۱۳۸- ۱۱۳۹- ۱۱۴۰- ۱۱۴۱- ۱۱۴۲- ۱۱۴۳- ۱۱۴۴- ۱۱۴۵- ۱۱۴۶- ۱۱۴۷- ۱۱۴۸- ۱۱۴۹- ۱۱۵۰- ۱۱۵۱- ۱۱۵۲- ۱۱۵۳- ۱۱۵۴- ۱۱۵۵- ۱۱۵۶- ۱۱۵۷- ۱۱۵۸- ۱۱۵۹- ۱۱۶۰- ۱۱۶۱- ۱۱۶۲- ۱۱۶۳- ۱۱۶۴- ۱۱۶۵- ۱۱۶۶- ۱۱۶۷- ۱۱۶۸- ۱۱۶۹- ۱۱۷۰- ۱۱۷۱- ۱۱۷۲- ۱۱۷۳- ۱۱۷۴- ۱۱۷۵- ۱۱۷۶- ۱۱۷۷- ۱۱۷۸- ۱۱۷۹- ۱۱۸۰- ۱۱۸۱- ۱۱۸۲- ۱۱۸۳- ۱۱۸۴- ۱۱۸۵- ۱۱۸۶- ۱۱۸۷- ۱۱۸۸- ۱۱۸۹- ۱۱۹۰- ۱۱۹۱- ۱۱۹۲- ۱۱۹۳- ۱۱۹۴- ۱۱۹۵- ۱۱۹۶- ۱۱۹۷- ۱۱۹۸- ۱۱۹۹- ۱۲۰۰- ۱۲۰۱- ۱۲۰۲- ۱۲۰۳- ۱۲۰۴- ۱۲۰۵- ۱۲۰۶- ۱۲۰۷- ۱۲۰۸- ۱۲۰۹- ۱۲۱۰- ۱۲۱۱- ۱۲۱۲- ۱۲۱۳- ۱۲۱۴- ۱۲۱۵- ۱۲۱۶- ۱۲۱۷- ۱۲۱۸- ۱۲۱۹- ۱۲۲۰- ۱۲۲۱- ۱۲۲۲- ۱۲۲۳- ۱۲۲۴- ۱۲۲۵- ۱۲۲۶- ۱۲۲۷- ۱۲۲۸- ۱۲۲۹- ۱۲۳۰- ۱۲۳۱- ۱۲۳۲- ۱۲۳۳- ۱۲۳۴- ۱۲۳۵- ۱۲۳۶- ۱۲۳۷- ۱۲۳۸- ۱۲۳۹- ۱۲۴۰- ۱۲۴۱- ۱۲۴۲- ۱۲۴۳- ۱۲۴۴- ۱۲۴۵- ۱۲۴۶- ۱۲۴۷- ۱۲۴۸- ۱۲۴۹- ۱۲۵۰- ۱۲۵۱- ۱۲۵۲- ۱۲۵۳- ۱۲۵۴- ۱۲۵۵- ۱۲۵۶- ۱۲۵۷- ۱۲۵۸- ۱۲۵۹- ۱۲۶۰- ۱۲۶۱- ۱۲۶۲- ۱۲۶۳- ۱۲۶۴- ۱۲۶۵- ۱۲۶۶- ۱۲۶۷- ۱۲۶۸- ۱۲۶۹- ۱۲۷۰- ۱۲۷۱- ۱۲۷۲- ۱۲۷۳- ۱۲۷۴- ۱۲۷۵- ۱۲۷۶- ۱۲۷۷- ۱۲۷۸- ۱۲۷۹- ۱۲۸۰- ۱۲۸۱- ۱۲۸۲- ۱۲۸۳- ۱۲۸۴- ۱۲۸۵- ۱۲۸۶- ۱۲۸۷- ۱۲۸۸- ۱۲۸۹- ۱۲۹۰- ۱۲۹۱- ۱۲۹۲- ۱۲۹۳- ۱۲۹۴- ۱۲۹۵- ۱۲۹۶- ۱۲۹۷- ۱۲۹۸- ۱۲۹۹- ۱۳۰۰- ۱۳۰۱- ۱۳۰۲- ۱۳۰۳- ۱۳۰۴- ۱۳۰۵- ۱۳۰۶- ۱۳۰۷- ۱۳۰۸- ۱۳۰۹- ۱۳۱۰- ۱۳۱۱- ۱۳۱۲- ۱۳۱۳- ۱۳۱۴- ۱۳۱۵- ۱۳۱۶- ۱۳۱۷- ۱۳۱۸- ۱۳۱۹- ۱۳۲۰- ۱۳۲۱- ۱۳۲۲- ۱۳۲۳- ۱۳۲۴- ۱۳۲۵- ۱۳۲۶- ۱۳۲۷- ۱۳۲۸- ۱۳۲۹- ۱۳۳۰- ۱۳۳۱- ۱۳۳۲- ۱۳۳۳- ۱۳۳۴- ۱۳۳۵- ۱۳۳۶- ۱۳۳۷- ۱۳۳۸- ۱۳۳۹- ۱۳۴۰- ۱۳۴۱- ۱۳۴۲- ۱۳۴۳- ۱۳۴۴- ۱۳۴۵- ۱۳۴۶- ۱۳۴۷- ۱۳۴۸- ۱۳۴۹- ۱۳۵۰- ۱۳۵۱- ۱۳۵۲- ۱۳۵۳- ۱۳۵۴- ۱۳۵۵- ۱۳۵۶- ۱۳۵۷- ۱۳۵۸- ۱۳۵۹- ۱۳۶۰- ۱۳۶۱- ۱۳۶۲- ۱۳۶۳- ۱۳۶۴- ۱۳۶۵- ۱۳۶۶- ۱۳۶۷- ۱۳۶۸- ۱۳۶۹- ۱۳۷۰- ۱۳۷۱- ۱۳۷۲- ۱۳۷۳- ۱۳۷۴- ۱۳۷۵- ۱۳۷۶- ۱۳۷۷- ۱۳۷۸- ۱۳۷۹- ۱۳۸۰-

علی‌رغم تفاوت‌های ذکر شده، نسخه‌های معمر، یونس و عقیل (به‌ویژه دو مورد آخر) کاملاً مشابه هستند. این نکته ظاهراً به‌طور کلی بر این سه نقل زهری اعمال می‌شود و نیاز به توضیح دارد.^۱ ما به این نسخه‌ها به‌طور جمعی به‌عنوان نسخه طولانی ۱ اشاره می‌کنیم. نسخه طولانی دیگری که فقط در طبری یافت می‌شود^۲ و او آن را به شاگرد زهری، نعمان بن راشد^۳ بازمی‌گرداند، اگرچه همان داستان را بیان می‌کند، اما از نظر واژگان، محتوای متن و هماهنگی با نسخه طولانی که قبلاً بحث شد (نسخه طولانی ۱) به حدی متفاوت است که باید آن را جداگانه طبقه‌بندی و بررسی کنیم. ما به آن به‌عنوان نسخه طولانی ۲ اشاره می‌کنیم.

۶۵

کلمات دو نسخه اغلب متفاوت است. مشخص‌ترین تفاوت واژگانی این است که پاسخ پیامبر به دعوت فرشته در نسخه طولانی ۲ «ما اقرأ» است و نه، همان‌طور که در نسخه طولانی ۱ آمده است، «ما انا بقارئ». (این نسخه طولانی ۲ را با روایت ابن اسحاق همسان می‌کند، که در آن پاسخ نیز «ما اقرأ» است). بنابراین، نسخه ق طولانی ۱ را می‌توان نسخه «ما انا بقارئ» و نسخه طولانی ۲ را نسخه «ما اقرأ» نامید. توافق (تقریبی) لفظی در پایان (در آخرین سخن ورقه) قابل توجه است.

دو عبارت در دو نسخه طولانی به شکل متفاوتی قرار گرفته‌اند. تفاوت‌های دیگر این است که نسخه طولانی ۲ دارای تکرار کمتر است (ظهور متعدد فرشته فقط بیان شده، نه اینکه چندین بار گفته شود) و کوتاه‌تر است (اطلاعات درباره ورقه وجود ندارد). گزارش درباره مرگ قریب الوقوع ورقه (نکته ۸) و توقف وحی (نکته ۹) در نسخه طولانی ۲ وجود ندارد. در عوض، این نسخه یک پایان متفاوت دارد؛ این نسخه درباره وحی‌هایی که پس از وحی سوره ۹۶: ۱-۵ نازل شده‌اند، اطلاع می‌دهد (نکته ۷ الف).

۱. بوخوف-وان در فورت چندین توضیح برای شباهت میان نسخه‌های یونس و عقیل ارائه کرده است: «درجه بالای شباهت میان نسخه‌های عقیل (برادرزاده زهری)، یونس و ابن اسحاق نشان می‌دهد که زهری دارای یک متن مکتوب بوده است (یک متن نوشتاری استاندارد)، که یا آن را دیکته می‌کرد یا اجازه می‌داد برخی دانشجویان از آن نسخه‌برداری کنند» (Boekhoff-van der Voort, *Between History and Legend*, 266). هم‌چنین در مورد یونس و عقیل، بنگرید به Anthony, Muhammad, 143f.

2. al-Ṭabarī, *Ta'riḥ* 1, 1147f.; idem, *Tafsīr* 12, 644f.

3. Ibn Ḥaṣṣar, *Tahqīb* 10, 403; al-Dahabī, *Miẓān* 4, 265.

اینجا جایی برای تأمل در دلایلی که منجر به این تفاوت‌ها در دو نسخه طولانی شده‌اند نیست. با این حال، باید توجه داشت که نسخه‌های مختلف احتمالاً به خود زهری بازمی‌گردند و نسخه «ما اقرأ» به احتمال زیاد قدیمی‌تر است.^۱ اولاً، نسخه ابن اسحاق که احتمالاً از همان منبع روایات مربوط به عروه است، نیز در تمام نسخه‌ها «ما اقرأ» را دارد و دوم، تنها تغییر از «ما اقرأ» (می‌تواند به هر دو معنی «چه باید بخوانم» و «من نمی‌خوانم / نمی‌توانم بخوانم» باشد) به «ما انا بقارئ» (فقط می‌تواند به این معنی باشد: «من نمی‌توانم بخوانم») قابل تصور است، نه برعکس آن، زیرا دومین چیزی شبیه به یک تفسیر (آشکارا محدودکننده) از «ما اقرأ» است. بدون شک، علی‌رغم تمام تفاوت‌ها، همان داستان در هر دو نسخه زهری روایت شده است.

۶۶

روایت هشام بن عروه^۲

نقل هشام بن عروه در سه روایت وجود دارد. از این سه، اولی فقط یک بار ثبت شده است، دومی دو بار. علاوه بر این، یک روایت دیگر (دو بار ثبت شده) وجود دارد که به فتره (توقف وحی) و دلیل نزول سوره ۹۳ (الضحی، «روشنی صبح») اشاره دارد و در آن جبرئیل به‌عنوان حامل پیام‌ها ذکر شده است.

روایت ۱

ابن سعد^۳ از عقیان بن مسلم از پسر عروه، هشام، از پدرش عروه: پیامبر خدا گفت: «ای خدیجه، من نور می‌بینم و صدایی می‌شنوم. می‌ترسم که من یک کاهن باشم.» سپس او گفت: «خداوند این کار را با تو نمی‌کند، ای پسر عبدالله. تو راست می‌گویی، امانت را بازمی‌گردانی و پیوندهای خویشاوندی را محکم می‌بندی.» این بخش از مجموعه‌ای است که ما آن را «روایت خدیجه عليها السلام»^۲ نامیده‌ایم (مطابق با نکته ۵ در روایت زهری). از نظر اسناد، قابل توجه است که با عروه متوقف می‌شود و به عایشه

۱. ر.ک. Schoeler, Charakter und Authentie, 102, 103-108 (=id., The Biography, 69, 70-73).

۲. Görke and Schoeler, The Earliest Writings on the Life of Muhammad, 21.

۳. Ibn Sa'd, al-Ṭabaqāt, 1, 130.

نرسیده است. این به تنهایی نشان می‌دهد که ما با یک نقل که از روایت زهری مشتق شده باشد مواجه نیستیم، بلکه با نقلی سر و کار داریم که به صورت مستقل از آن به عروه باز می‌گردد. ما خواهیم دید که زهری گاهی اسناد روایات را فراتر از عروه به عایشه (به‌ندرت به سایر راویان) توسعه می‌دهد، در حالیکه اسناد نقل هشام با پدرش عروه متوقف می‌شود.

نشانه دیگری که نشان می‌دهد این نسخه مستقل از نسخه زهری است، از شکل متفاوت متن ناشی می‌شود؛ با روش‌های نقل رایج در زمان عروه (قرائت، یادگیری حفظی)، تفاوت‌های متنی قابل توجه بین نسخه‌هایی که از یک منبع و یک مرجع نقل شده‌اند، مورد انتظار است. برخلاف - و با جزئیات بیشتر! - نسخه زهری، در نسخه هشام، پیامبر ﷺ فقط نمی‌گوید که «برای جانش می‌ترسد»، بلکه می‌گوید که به دلیل رؤیایها («نور») و شنیده‌ها («صداها») از کاهن بودن خود می‌ترسد. این می‌تواند ویژگی اصیل روایت اصلی عروه باشد که زهری در نسخه خود آن را ملایم‌تر کرده است.

از سوی دیگر، قابل توجه است که در مدح خدیجه (ع) از پیامبر ﷺ، سه عبارت موازی (تصدق الحدیت وغیره) که در روایت زهری آمده‌اند، به‌طور لفظی در این روایت یافت می‌شوند. گزارش در شکل حاضر خود بدون تردید بسیار کوتاه است. مهم‌تر از همه، اصل مطلب حذف شده است: تجربه وحی واقعی با روایت اقرأ. به احتمال زیاد، نقل بعدی باعث تلخیص شده است. زیرا در فصل ذکر نزول الوحی، ابن سعد فقط چنین روایات کوتاه یا مختصر را نقل می‌کند؛ روایت زهری نیز در اینجا به شکلی بسیار مختصر ظاهر می‌شود. بنابراین، بسیار محتمل است که تلخیص به جمع‌آوری کننده، ابن سعد، بازگردد. اینکه هشام بن عروه یک نسخه مفصل‌تر را از پدرش شنیده و آن را منتقل کرده است، با قطعه دوم روایت او که باقی مانده، نشان داده می‌شود.¹

1. Görke and Schoeler, The Earliest Writings on the Life of Muhammad, 22.



روایت ۲

زبیر بن بکّار (یکی از اعضای خاندان زبیر)^۱ از مصعب بن عبدالله (یعنی عمویش) از ضحاک بن عثمان از عبدالرحمان بن ابی الزناد از هشام بن عروه از عروه: «خدیجه علیها السلام بنت خویلد نزد ورقه می‌رفت (و به او می‌گفت) که بر اساس گزارش پیامبر خدا چه چیزی بر او آمده است. سپس ورقه گفت: به خدا قسم، اگر آنچه می‌گوید واقعاً درست باشد، پس ناموس بزرگ، ناموس عیسی، نزد او می‌آید که اهل کتاب فقط با قیمت (بالا) درباره آن اطلاعات می‌دهند. و اگر او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) پیام خود را در دوران زندگی من اعلام کند، پس من به خاطر خدا از او حمایت خواهم کرد.»

۶۸

این بخشی از روایت ورقه (مطابق با نکته ۷ در روایت زهری) است. در این روایت نیز، سند با عروه متوقف می‌شود که نشان می‌دهد به صورت مستقل از روایت زهری منتقل شده است. متن روایت این یافته را تأیید می‌کند: به دلیل انحرافات قابل توجه نمی‌توان آن را از گزارش زهری مشتق کرد. تفاوت جالب این است که در نسخه زهری، خدیجه علیها السلام به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دیدار ورقه می‌رود، در حالیکه اینجا به تنهایی به دیدار او می‌رود. با لحاظ این درونمایه، گزارش هشام با روایت ابن اسحاق از ماجرای ورقه (که به عروه بازنمی‌گردد) موازی است.

مورد بسیار خاص در گزارش هشام این است که بیان می‌کند «اهل کتاب» فقط با دریافت قیمت (بالا) درباره ناموس اطلاعات می‌دهند و او ناموس عیسی است (در غیر این صورت: ناموس موسی). جمله آخر روایت (یک جمله شرطی) در ادامه با نظایر آن در دو نسخه زهری و در روایت ابن اسحاق مقایسه شده است:

1. al-Zubayr b. Bakkār, Ġamharat nasab Qurayš, 419 (no. 720); Abū Farağ al-Iṣfahānī, Kitāb al-Ağānī 3, 15 (3rd ed. 3, 120).

هشام بن عروه:

ولئن نطق وانا حیّ لابلین الله فیه بلاء حسنا («اگر او (پیامبر ﷺ) اعلام کند (پیامش را) در زمان حیات من، آنگاه من برای رضای خدا برای او کار خواهم کرد.»)

زهری (نسخه طولانی ۲، در طبری):

ولئن ادرکنی یومک انصرک نصراً مؤزراً («اگر در آن زمان هنوز زنده باشم (روزگارت را درک کنم) آنگاه کمک شایسته‌ای به تو خواهم کرد.»)

زهری (نسخه طولانی ۱، در عبدالرزاق):

وان یدرکنی یومک انصرک نصراً مؤزراً («اگر زندگی‌ام عصر تو را درک کند آنگاه کمک شایسته‌ای به تو خواهم کرد.»)

ابن اسحاق:

ولئن انا ادرکت ذلک الیوم لانصرنّ الله نصراً یعلمه («اگر زندگی کنم تا آن روز را ببینم آنگاه خدا را یاری خواهم کرد (به چنان طریقی که) او می‌داند.»)

با این حال، برای ما به خصوص مهم است که بتوانیم از این قطعه دوّم استنباط کنیم که هشام هم‌چنین از پدرش عروه درباره ظهور فرشته و بنابراین درباره ابلاغ اوّلین پیام الهی شنیده است؛ زیرا از آنجا که ناموس ذکر شده توسط ورقه به‌عنوان توضیحی برای ظهور فرشته ذکر شده است، باید گزارشی قبلی درباره این رویداد فرض شود. با این حال، در قطعه‌ای که سوره ۹۶: ۱-۵ را به‌عنوان اوّلین وحی نشان دهد، نشانه‌ای قطعی وجود ندارد. دوباره احتمالاً گرداونده مسئول تلخیص است، زیرا برای زبیر بن بکّار، کلّ داستان اوّلین تجربه وحی تنها تاجایی که به شخصیت ورقه بن نوفل مربوط باشد، مورد بحث است.



روایت ۳

العطاردی به نقل از یونس (بن بکیر) از هشام بن عروه (از خدیجه) و طبری به نقل از ابوکریب از وکیع از هشام بن عروه از عروه^۱:

جبرئیل (وحی) به پیامبر را به تأخیر انداخت. این او را بسیار ناراحت کرد. سپس خدیجه علیها السلام گفت: «به دلیل غم و اندوهی که در تو مشاهده می‌کنیم، باور دارم که پروردگارت تو را دوست ندارد.» سپس نازل شد: «سوگند به روشنی صبح و سوگند به شب وقتی آرام است، پروردگارت تو را رها نکرده و تو را دشمن نداشته [...]» (سوره ۹۳).

در این روایت، جبرئیل به صراحت به‌عنوان حامل وحی‌ها ذکر شده است: گواهی دیگر بر این که هشام بن عروه از پدرش روایتی درباره تحویل اولین وحی شنیده است. این گزارش به دوره فتره (توقف وحی) اشاره دارد که - بر اساس این روایت - با نزول سوره ۹۳ پایان یافته است.

چیزی که در اینجا برجسته است، تطابقی خاص با نسخه طولانی ۲ (احتمالاً روایت اصلی زهری از روایت عروه درباره اولین تجربه وحی) است، که بر اساس آن پیام الهی اول (سوره ۹۶) ابتدا توسط سوره ۶۸، سپس ۷۴، و در نهایت، توسط سوره ۹۳ که در اینجا بحث می‌شود، دنبال شده است. از طریق سه روایت فوق‌الذکر، عناصر مختلفی در روایت هشام بن عروه ثبت شده است که می‌توان آن‌ها را نیز در روایت زهری یافت:

۱) روایت خدیجه علیها السلام ۲ (مطابق با نکته ۵ در روایت زهری)

۲) روایت ورقه (مطابق با نکته ۷)

۳) روایت فتره (مطابق با نکته ۹)

و می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که روایت او شامل مورد زیر نیز بوده است:

۴) روایتی درباره تحویل اولین پیام الهی توسط یک فرشته ظهور یافته، که ابتدا توسط ورقه به‌عنوان ناموس شناخته شد و بعداً توسط پیامبر به‌عنوان جبرئیل (مطابق با نکته ۳) شناسایی شد.

1. al-Uṭāriḍī, al-Siyar, 135.
2. al-Ṭabari, Tafsiṭ 12, 624.

روایات مشکل ساز که به عروه باز می‌گردند^۱

در مورد نسخه ابن لهیعه^۲ یا «نسخه کیف اقرأ» (از آنجا که پیامبر اینجا با این کلمات به درخواست فرشته برای قرائت پاسخ می‌دهد چنین نامگذاری شد) که از طریق اسناد ابن لهیعه (م. ۱۷۴ق)^۳ از ابوالاسود (م. ۱۳۰ق یا بعد از آن^۴) به عروه بازمی‌گردد، تنها می‌توان گفت: «تجربه وحی که اینجا نیز به نزول سوره ۹۶: ۱-۵ اشاره دارد، در این نسخه کاملاً ماهیت متفاوتی نسبت به دو نسخه دیگر دارد، «بینشی ترسناک در غار»^۵ به «ملاقاتی خودمانی‌تر» تغییر شکل داده شده است.

۷۱

موضوع غار به کلی حذف شده است؛ در عوض، فرش گرانبهایی به‌عنوان محل رویداد معرفی شده است، که فرشته بر روی آن پیامبر آینده را به راحتی می‌نشانند. این تغییر شکل، آن تمایلی را که در مقایسه با روایت هشام (که احتمالاً از این نظر همانند روایت ابن اسحاق، اصیل‌تر است) با روایت زهری به‌طور مبهم آشکار است، به شدت افزایش می‌دهد: یعنی تمایل ملایم سازی و کاهش شدت رویدادی که در اصل تقریباً پرتنش بوده است. در روایت ابن لهیعه (> ابوالاسود)، هسته داستان که به گزارش عروه بازمی‌گردد، هنوز قابل تشخیص است؛ تغییر شکل احتمالاً در نقل بعدی (توسط ابن لهیعه؟) رخ داده است. قابل توجه است که داستان اولین تجربه وحی که در این شکل بازسازی شده، به منابع شیعی راه پیدا می‌کند. در کارهای یعقوبی^۶ که وابسته به گزارش شیعی ابان بن عثمان الاحمر (قرن دوم/ هشتم)^۷ است، آمده است:

1. Görke and Schoeler, *The Earliest Writings on the Life of Muhammad*, 25.

۲. نسخه طولانی در *al-Bayhaqī: Dalā'il* 2, 142f. نسخه کوتاه در *Ibn Haḡar, Fath* 2, 31. هم‌چنین مقایسه کنید با روایت مشابه (که اشاره به نزول

سوره ۵۳ دارد) با استناد به ابن لهیعه > ابوالاسود > عروه در *al-Ṭabarī, Tafsīr* 11, 508.

3. Sezgin, *GAS* 1, 94; Khoury, 'Abd Allāh Ibn Lahī'a.

4. Sezgin, *GAS* 1, 284f.

۵. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به (Schoeler, *Charakter und Authentie*, 81f. (= id. *The Biography*, 54-57).

6. *al-Ya'qubī, Ta'riḡ* 2, 23.

7. *Ibid.*, 2, 23.

۸. ر.ک. *Abān b. 'Utmān, al-Mab'at wal-magāzī*, 42. ابان این روایت را با یک اسناد طولانی به علی بازمی‌گرداند.

است که هر دو روایت درباره اولین پیام الهی، یعنی روایت زهری (و هشام بن عروه) که به عروه تکیه می‌کند و روایت ابن اسحاق که به وهب بن کیسان از عبید بن عمیر تکیه می‌کند، با وجود تمام تفاوت‌ها در جزئیات، آنقدر به یکدیگر نزدیک هستند که باید منشأ مشترکی داشته باشند.^۱

بررسی متن

بازسازی گزارش اصلی عروه باید بر اساس نسخه زهری باشد، زیرا - در مقابل نسخه هشام - به طور کامل منتقل شده است. آن عناصری که در آن با روایات مربوط به هشام بن عروه > عروه پشتیبانی می‌شوند، باید به‌عنوان عناصری که قطعاً از عروه منشأ می‌گیرند، در نظر گرفته شوند. در مورد سایر عناصر، باید با این واقعیت فرض شود که زهری تغییرات خاصی در آنها انجام داده است، به‌ویژه از نظر ویرایشی (به خصوص بازآرایی مضامین).^۲ تقریباً مسلم است که زهری درون‌مایه و سواس را کاهش داده است، و در روایت عروه باید هنوز کاملاً موجود بوده باشد، همانطور که در نسخه هشام بن عروه (و هم‌چنین در روایت ابن اسحاق) دیده می‌شود. زیرا تغییر تنها از شکل خشن‌تر به شکل بی‌ضررتر و نه بالعکس، قابل تصور است.

بر اساس آنچه که گفته شد، می‌توان با اطمینان فرض کرد که روایت عروه از اولین تجربه وحی شامل عناصر زیر بوده است:

رؤیاهای و شنیده‌های پیامبر ﷺ - روایت خدیجه الکبریٰ (ترس پیامبر ﷺ از جنون - قصد خودکشی - تسلی و مدح خدیجه) - تحویل اولین وحی (توسط ظهور فرشته که بعداً شناسایی شد)؛ - روایت ورقه (ورقه فرشته ظهور یافته را به‌عنوان ناموس شناسایی می‌کند) - گزارش تاخیر در وحی (در این میان ظهور یافته به‌عنوان جبرئیل شناسایی شده است).

۱. همچنین بنگرید به Schoeler, Charakter und Authentie, 89ff., 97ff. (= id. The Biography, 59ff., 65ff.)

۲. نگاهی به دو نسخه مختلف که به او بازمی‌گردند (نسخه بلند I و نسخه بلند II) این فرضیه را تقویت می‌کند. همچنین، افزودنی‌های زهری را نیز نمی‌توان متفی دانست.



اینکه اولین وحی در گزارش عروه، سوره ۹۶: آیات ۱-۵ بوده است، بر اساس نسخه زهری (که در این نکته با دو نسخه «مشکل‌دار» همخوانی دارد) به‌عنوان امری بسیار محتمل فرض می‌شود، اما این را نمی‌توان با قطع گفت، زیرا هیچ اشاره صریحی به این موضوع در عبارات موجود از نسخه هشام بن عروه یافت نمی‌شود.

سه عنصر در مدح خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در عبارات موازی به‌طور لفظی در هر دو نسخه دارای همانندی هستند و بنابراین باید به همان شیوه توسط عروه ترکیب و بیان شده باشند. مقایسه کنید:

أَنْتَ لَتَصِلَ الرَّحْمَ وَ تَصَدَّقَ الْحَدِيثَ وَ تُوَدِّي الْأَمَانَةَ وَ تَحْمِلُ الْكُلَّ وَ تَقْرِي الضَّيْفَ وَ تَعِينُ عَلَي نَوَائِبِ الْحَقِّ (تو خویشاوندی را پیوند می‌دهی، حقیقت را می‌گویی، امانت را بازمی‌گردانی، مهمان را پذیرایی می‌کنی و به سرنوشت الهی کمک می‌کنی) [نسخه طولانی ۲، نسخه نعمان بن راشد از روایت زهری]: بَا: أَنْتَ تَصَدَّقُ الْحَدِيثَ وَ تُوَدِّي الْأَمَانَةَ وَ تَصِلُ الرَّحْمَ (تو حقیقت را می‌گویی، امانت را بازمی‌گردانی و خویشاوندی را پیوند می‌دهی) [روایت هشام بن عروه].



نتیجه‌گیری

از بررسی و تحلیل تطبیقی روایات منسوب به عروه بن زبیر درباره آغاز وحی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که با وجود گذر این روایت از کانال‌های مختلف نقل - به ویژه زهری و هشام بن عروه - می‌توان هسته‌ای اصیل و مشترک را به عروه منتسب دانست. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که زهری در فرآیند نقل، هم در سند (با توسعه دادن آن تا عایشه) و هم در محتوا (با کمرنگ کردن مضامینی مانند هراس پیامبر از کاهن بودن) دست برده است، در حالیکه روایت هشام، که سندش در عروه متوقف می‌شود، نشانگر شکل خام‌تر و احتمالاً اصیل‌تری است. بر این اساس، می‌توان گفت گزاره‌های اصلی روایت عروه شامل این عناصر بوده است: رؤیاها و شنیده‌های پیامبر ﷺ، اضطراب و ناامیدی او، تسلی و مدح خدیجه، دیدار با ورقه، هم‌چنین تحویل اولین پیام الهی توسط فرشته‌ای که ابتدا به‌عنوان ناموس و بعداً به‌عنوان جبرئیل شناسایی شد.

فهرست منابع

1. Motzki, Harald, "Nāmūs", in Encyclopaedia of the Qur'ān, III, 515-16.
2. Abān b. 'Utmān al-Aḥmar, K. al-Mab'at wal-magāzī wal-wafāt wal-saqīfā wal-ridda, ed. R. Ġa'fariyyān, Qum 1417/1996.
3. Abd al-Razzāq b. Hammām al-Ṣan'ānī, al-Muṣannaḥ, ed. Ḥ.R. al-A'zamī, 11 vols, Beirut 1390/1970-1392/1972.
4. Abū 'Awāna, Ya'qūb b. Ishāq, Musnad Abī 'Awāna, 4 vols, Cairo 1362/1943.
5. Abū l-Faraġ al-Iṣfahānī, 'Alī b. al-Ḥusayn, K. al-Aġānī, 24 vols, Cairo 1927-74.
6. Abu Nu'aym al-Iṣbahānī, Aḥmad b. 'Abd Allāh, Dalā'il al-nubuwwa, Hyderabad, 2nd ed. 1369.[۱۹۵۰]
7. Anthony, Sean W., Muhammad and the Empires of Faith. The Making of the Prophet of Islam, Oakland, Cal., 2020.
8. Armstrong, Lyall R., The quṣṣās of early Islam, Leiden, 2016.
9. Bayhaqī, Aḥmad b. al-Ḥusayn, al-Sunan al-kubrā, 11 vols, Beirut 1406/1986.
10. Bayhaqī, Aḥmad b. al-Ḥusayn, Dalā'il al-nubuwwa, ed. 'A. Qal'aġī, 7 vols, Beirut 1985.
11. Boekhoff-van der Voort, Nicolet, Between History and Legend: The Biography of the Prophet Muḥammad by Ibn Shihāb al-Zuhrī (unpublished Ph.D. thesis), Nijmegen, 2012.
12. Buḥārī, Muḥammad b. Ismā'īl, Ṣaḥīḥ al-Buḥārī, ed. M.D. al-Buġā, 7 vols, Beirut, Damascus 1410/1990.
13. Ḍahabī, Ṣams al-Dīn Muḥammad b. 'Utmān, Mīzān al-i'tidāl fi naqd al-rīġāl, ed. 'A.M. al-Baġāwī, 4 vols, Beirut n.d.
14. Görke, Andreas, Schoeler, Gregor, The Earliest Writings on the Life of Muḥammad: The 'Urwa Corpus and the Non-Muslim Sources, Gerlach Press, Berlin 2024

15. Ibn Ḥağar al-‘Asqalānī, Aḥmad b. ‘Alī, Tahdīb al-tahdīb, 14 vols, Beirut 1984-85.
16. Ibn Hišām, ‘Abd al-Malik, al-Sīra al-nabawiyya, ed. Muṣṭafā al-Saqā et al., 4 parts in 2 vols, 2nd ed., Cairo 1375/1955.
17. Ibn Sa‘d, Muḥammad, K. al-Ṭabaqāt al-kabīr, ed. E. Sachau et al., 9 vols, Leiden 1904-28.
18. Khoury, Raif Georges, ‘Abd Allāh Ibn Lahī‘a (97-174/715-790): Juge et grand maître de l’école égyptienne, Wiesbaden 1986.
19. Kister, Meir J., “Al-Taḥannuth: an inquiry into the meaning of a term”, in Bulletin of the School of Oriental and African Studies 31 (1968), 223-36.
20. Kister, Meir J., “God will never disgrace thee (The interpretation of an early ḥadīth)”, in Journal of the Royal Asiatic Society 1965, 27-32.
21. Muslim b. al-Ḥağğāğ, Ṣaḥīḥ Muslim bi-ṣarḥ al-Nawawī, 18 parts in 9 vols, 2nd ed., Beirut 1972.
22. Schoeler, Gregor, Charakter und Authentie der muslimischen Überlieferung über das Leben Mohammeds, Berlin, New York 1996.
23. Sezgin, Fuat, Geschichte des arabischen Schrifttums (= GAS), 12 vols, Leiden 1967-2000.
24. Ṭabarī, Abū Ğa‘far Muḥammad b. Ğarīr, Tafsīr al-Ṭabarī: Ğāmi‘ al-bayān fī ta’wīl al-qur’ān, 12 vols, Beirut 1412/1992.
25. Ṭabarī, Abū Ğa‘far Muḥammad b. Ğarīr, Ta’rīḥ al-rusul wal-mulūk (Annales), ed. M.J. de Goeje et al., series I-II, 15 vols, Leiden 1879-1901.
26. Tirmidī, Abū ‘Īsā Muḥammad b. ‘Īsā, Sunan al-Tirmidī wa-huwa al-Ğāmi‘ al-ṣaḥīḥ, 5 vols, 2nd ed., Beirut 1403/1983.
27. Uṭaridī, Aḥmad b. ‘Abd al-Ğabbār, K. al-Siyar wal-mağāzī, see Ibn Ishāq, Muḥammad, K. al-Siyar wal-Mağāzī, ed. S. Zakkār, Beirut 1978 [this is Ibn Ishāq’s Kitāb al-Mağāzī in the recension of al-‘Uṭaridī ← Yūnus b. Bukayr ← Ibn Ishāq].
28. Ya‘qūbī, Aḥmad b. Abī Ya‘qūb, Ta’rīḥ al-Ya‘qūbī, 2 vols, Beirut 1960.
29. Zubayr b. Bakkār, Ğamharat nasab Qurayš wa-aḥbāruhā, ed. M.M. Šākir, 2 vols, 2nd ed., Riyadh 1999.



